



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۳/۰۱



سید حمیدالله روغ

آن روز رسید، که باید می رسید!



به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟
گفتار سی و نهم

دیروز به تاریخ ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ آن چیزی رخ داد که از چند سال در باره آن پیشگویی و بدگویی می شد؛ امریکا، طی توافقنامه ای با طالبان، اطمینان داد که عساکر خود از افغانستان را خارج می سازد؛ ظاهراً مذاکرات ۱۸ ماهه جناب خلیلزاد با طالبان، با تأخیر آشکار، به ثمر نشست؛ عقب انداختن نتایج انتخابات افغانستان و به تعویق انداختن مراسم تحلیف رئیس جمهور افغانستان، کاملاً معلوم می ساخت که در عقب همه این تأخیرها برنامه های متعددی در حال پیاده شدن هستند؛ در باره این که آیا امریکا با طالبان یک «توافقنامه» امضاء کند و یا خیر، مناقشه زیاد بود؛ عده ای از ناظران امریکایی مثلاً جناب جنرال پترویس، عقیده داشتند که توجیهی برای عقد این توافقنامه موجود نیست و امریکا می تواند بدون کدام توافقنامه از افغانستان خارج شود؛ ناظران اروپایی، به مانند جناب مایکل سمپل، کوشیدند غیر قابل اعتماد بودن طالبان را برجسته بسازند، تا توافقنامه امضاء نه شود؛ پس اداره ترامپ، که این توافقنامه را به امضاء رسانید، حتماً دلایل خاص و جدی در دست داشته است. متأسفانه ناظران امریکایی و اروپایی در باره مضمون و محتوای این توافقنامه نظر خوشبینانه نداشتند؛ خاصاً تبصره شده است که ضمانتی برای تداوم نظام جمهوری، حقوق مدنی، و بر علاوه هیچ ضمانتی برای ختم جنگ در افغانستان، در توافقنامه مشاهده نمی شود؛

جناب برت مک گرک، قبلاً فرستاده خاص ایالات متحده امریکا در «ائتلاف علیه داعش»، نوشت:

«همه ما امیدواریم که این {توافقنامه} روغ به نوعی کار کند. امریکایی ها دیگر نباید در افغانستان بمیرند. اما با قضاوت بر اساس متن، این توافق جنگ را خاتمه نمی دهد و این یک نگرانی است... در این توافقنامه تاریخی مواردی ذکر شده است که همیشه طالبان می خواستند. توافقنامه منجر به صلح نه، بلکه به یک جنگ جدید منجر می شود. با برگشت طالبان به کابل احتمال دارد که جنگ داخلی شروع شود و حکومت سقوط کند»

جناب فلوریان وایگند، مسؤول شعبه افغانستان در رادیو «دویتسه وله» در تبصره ای تحت عنوان «توافقنامه صلح با طالبان؛ خداحافظی با دیموکراسی در افغانستان؟»، نوشت:

«... تسلیمی غرب به تروریست های بدنام و اسلام گرایان سختگیری که فقط برای این "معامله ترامپ" خود را بی ضرر نشان می دهند... توافقنامه مبهم است: هیچگونه تعهدی در حمایت از حقوق بشر، احترام به قانون اساسی افغانستان و حقوق زنان که به بسیار سختی به دست آمده و همیشه در معرض خطر است، در این توافقنامه صورت نگرفته است... تنها یک چیز قطعی باقی می ماند: افغانستان دیموکراتیک همانطور که امروز آن را می شناسیم، با همه اشتباهات و نقاط ضعف اش، از بین خواهد رفت. این که به چه میزانی و نسبتی دیموکراسی و امارت اسلامی طالبان در یک قانون اساسی جدید، گنجانیده خواهد شد، هنوز معلوم نیست... آیا غرب قادر است و یا مایل است طالبان را مجبور به پایبند بودن به وعده های شان کند و همچنین به همان اندازه این امر نیز مهم است که غرب به طور جدی از یک حکومت در کابل حمایت کند...»

مواضع ایران و پاکستان متناقض بودند؛

ایران این توافقنامه را مسترد کرد و گفت امریکا بطریق عقد این موافقتنامه تلاش کرد به حضور طولانی خود در افغانستان «مشروعیت» ببخشد؛

پاکستان با اعلام خروج نهایی عساکر امریکایی از افغانستان، می پندارد که نظر دیرینه آن تحقق یافته است؛ محمود قریشی، بمانند مرگی که در تخم خود نمی گنجد، از مسرت زیاد بالک می زد؛ وی گفت: «اگر پاکستان نمی بود، این موافقتنامه نمی شد»؛ اما جناب قریشی فراموش کرد بگوید که **اگر پاکستان نمی بود، طالبان نمی بود؛ اگر**

پاکستان نمی بود، جنگ ۴۰ ساله در افغانستان نمی بود؛

کابل با فراغت خاطر، و با اعتماد بخود، به این انکشافات عکس العمل نشان داد؛

جناب اسدالله خالد گفت ما کوشش می کنیم که این انکشافات به نفع ختم جنگ و استقرار صلح پیش بروند؛ اما اگر نه شد ما در امر دفاع از جمهوریت هیچ کمبودی نداریم؛

جناب حمدالله محب گفت در توافقنامه امریکا و طالبان مواردی وجود دارند که پذیرفتنی نیستند؛ خاصاً «امارت اسلامی»!

جناب امرالله صالح گفت: طالبان یک فرصت بدست آوردند که بیایند و جزء جامعه افغانستان شوند؛ یک چیز بسیار واضح است که افغانستانی که طالبان به یاد دارند، افغانستان امروزی نیست؛ امریکا باشد یا نباشد، افغانستان دیگر طالبانی نمی شود؛ صلح یک برنامه مردم محور است؛ صلح یک معامله در اتاق های تاریک نیست؛ چتری که از همه منافع دفاع می کند، چتر جمهوریت است؛ روش انتقال قدرت باید انتخابات باشد؛

رئیس جمهور غنی گفت:

«صلح به مردم تعلق دارد... صلاحیت آزادی زندانیان طالب را تنها دولت افغانستان دارد نه کشوری دیگر. امریکا در این موضوع صلاحیت ندارد و هیچ کسی دولت افغانستان را مجبور به این کار نمیتواند. ما با امریکا روی رهایی زندانیان موافقه نداریم. وضاحت کامل وجود دارد و باز برای تان تکرار می کنم این صلاحیت جمهوری اسلامی افغانستان است، تنها و تنها؛ هیچ نوع تعهدی برای رهایی ۵۰۰۰ زندانی طالبان وجود ندارد؛ ما بار بار این موضوع را بصورت شفاف با داکتر صاحب خلیل زاد و تمام مقامات شریک ساختیم.

در این قضیه، موضوع حسن نیت مطرح نیست و دولت افغانستان باید این اعتماد را داشته باشد کسانی که رها می شوند دوباره به میدان جنگ بر نمی گردند. این حق قانونی، و جزو خود ارادیت مردم افغانستان است؛

تقاضا شده، و جزو مذاکرات، جزو اجندای مذاکرات، قرار گرفته می تواند؛ اما پیش شرط شده نمی تواند» نوشتیم که خطوط اصلی گسل در میان جمهوریت و امارت کشیده می شوند! اینک آشکار تر از هر زمانی مقابله در میان جمهوریت و امارت وارد میدان شده است؛ با همه کژ رفتن و مژ رفتن این و آن، با صراحت می نویسیم که جمهوری این توان را دارد که از خود دفاع کند!

خوب؛

امریکا چرا همین اکنون این توافقنامه را امضاء کرد؟

منظور اداره ترامپ از این که خروج عساکر امریکایی از افغانستان در یک «توافقنامه» با طالبان مسجل شود، چیست؟ کدام شرایط در مقابل طالبان قرار داده شده است؟

روشن است که اداره ترامپ به انتخابات آینده نظر دارد؛ و ۱۴ ماه که در توافقنامه ذکر شده است، مهلت تدویر انتخابات امریکا را نیز در برمیگیرد؛ در این زمینه جناب کرزی و جناب رحمت الله نبیل هشدار دادند؛ جناب کرزی تحت همین عنوان در اجلاس سران افغانستان با سرمنشی ناتو و وزیردفاع امریکا، در کابل، شرکت نکرد؛ و این که جناب ترامپ گفت اگر تعهدات اجرا نه شدند، ما باز می گردیم، نیز به همین تعامل ربط می گیرد؛

این سؤال که اداره ترامپ چرا، و علیرغم مخالفت های چهره های سرشناس امریکایی، تصمیم گرفت که یک توافقنامه عقد شود، یک سؤال مهم است؛ و پاسخ این است که این توافقنامه، آن شرایطنامه ای را با طالبان می پوشاند، که اعلام نه شده است؛ هشت صبح کابل نوشت که این «شرایطنامه» بنا به تقاضای جانب طالبان «محرم» نگهداشته شده، و شاید تا مدت نامعلوم علنی ساخته نه شود؛ جناب اسپیر وزیردفاع امریکا در پاسخ به یک سؤال گفت که وی چنین «شرایطنامه محرم» را نه دیده است؛ جناب اسپیر در واقع تأیید می کند که چنین شرایطنامه ای وجود داشته است، و تنها وی آن را «نه دیده است»؛

در این شرایطنامه چه چیزی در مناسبات متقابل در میان امریکا و طالبان مشروط ساخته شده است؟ این شرایط حتماً در برگیرنده سپردن قدرت سیاسی به طالبان نیست؛ جناب ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی، و در مذاکره تلفونی با جناب غنی، از مقام و صلاحیت وی برای مدیریت پروسه صلح اطمینان داد؛ پس این شرایطنامه کدام تعهدات را از طالبان تقاضا می کند؟

چند چیز را:

اول- عایدات نارکودالر

دوم- معادن و ثروت های زیرزمینی افغانستان

سوم- این که طالبان همه وظایفی را در افغانستان بدوش می گیرند که بنابر آن وظایف عساکر امریکایی در افغانستان حضور داشتند؛ به شمول پروژة چینیایی راه ابریشم؛

سال ها بگذرد و تأریخ این حقایق را افشا خواهد کرد! این قصه که طالبان برای استقلال افغانستان جنگیده اند، کدام قصه مفت نیست! این قصه چندین هزار میلیارد دالر قیمت دارد!

جناب اسماعیلخان گفت امتیازاتی که امریکا به طالبان داده است، باعث شده که طالبان دچار خودخواهی شوند! به یاد می آوریم که جناب ایوبی گفته بود: «طالبان یک سیکوریتی فورس هستند»

اینک «پف» این همه منازعات و منازعه گران قهار تخلیه می شود؛ حتی این هم یقینی نیست که میلیاردهایی که به جیب های این حضرات از باب پف خالی به «غنیمت» رسیده است، برای شان باقی بماند؛

ببینیم و قصه کنیم! پیسه که رفت! رئیسه هم رفت!

جناب پومپیو گفت مذاکرات دولت افغانستان با طالبان «دشوار» خواهد بود؛ حال که شما تصمیم گرفته اید بروید؛ و «در امور داخلی آن مداخله نه کنید»، پس بگذارید افغانان نشان بدهند که استعداد دارند مسایل خود را در میان خود حل کنند!

آن روز رسیده است، که باید می رسید!!

نقش جناب داکتر خلیل‌زاد در استخدام طالبان برای اجرای وظایفی که امریکا در حوزه ما در نظر دارد، مهم و بزرگ بوده است؛ جناب پمپئو گفته بود که به هدف شرکت در انتخابات از مقام خود کنار خواهد رفت؛ بنظر می رسد که شانس های داکتر خلیل‌زاد برای این که در مدیریت سیاست خارجی امریکا مقام رهبری کننده را اشغال کند، افزایش یافته است؛ خاصاً که داکتر خلیل‌زاد در انکشافات عجیب و غریبی که حوزه ما را در هم نوردید، پیوسته یک دید ژئواستراتژیک داشته است؛

در ۲۰۰۱ جناب خلیل‌زاد گفته بود «مقصد ما تأسیس «ثبات» در یک کمربند طولانی از مراکش تا دامنه های هندوکش است»؛ در سال های اخیر، براین نظر جناب خلیل‌زاد یک هدف دیگر هم افزود شده است: متوقف ساختن چین و پروژه «راه ابریشم»؛

در انکشافات چند ماه اخیر دقیق تر می شویم:

کوشش امریکا برای منزوی ساختن ایران پیش می رود؛ رادیو دویتسه وله پیش بینی کرد که ایران در زیر ضربت و بروس کرونا دچار فروپاشی خواهد شد؛ امریکا ظاهراً موفق شده است که تقرب شتابان ترکیه بسوی روسیه را متوقف بسازد؛ و برعکس ترکیه در سوریه وارد جنگ شده است؛ این که ترکیه در این مسیر چقدر می تواند و می خواهد جلو برود، این یک سوال دیگر است؛ اما کمتر می توان حدس زد که این انکشافات با اعلام خروج عساکر امریکایی از افغانستان بی رابطه باشد؛ دیدار جناب ترامپ از هند را باید در چارچوب تحکیم موقف هند در برنامه ضد چینایی امریکا فهمید؛ پاکستان از این وعده که فرصت های نو بیابد و از طریق طالبان به مطالبات خود در افغانستان دست بیابد، سرخوش است و بنابراین پاکستان از یکطرف به کوشش خود برای رسانیدن طالبان به قدرت ادامه خواهد داد؛ اما از طرف دیگر ارجحیت اصلی خود برای متصل شدن به آسیای میانه را نمی تواند از نظر بیاندازد؛

خارج شدن عساکر امریکا از افغانستان، در این چارچوب صورت گرفته است؛

اینک امریکا از یک کرسی نو این مطالبه را در برابر روسیه قرار خواهد داد که از سوریه خارج شود! آیا چنین خواهد شد؟

ختم

**** * * * *

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

آن روز رسید، که باید می رسید!